

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هفدهم
شماره ۱۹۵ خرداد ماه ۱۳۹۵ - آوریل ۲۰۱۶

مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره پنجم حزب کار. بخش نخست

اوضاع جهان

تضادهای جهان ما

تاریخ بشریت تاریخ رشد و تکامل جوامع بشری، تاریخ مبارزه طبقاتی است. مبارزه طبقات که دارای منافع متضاد گوناگون اند بطور عمده در عرصه سیاسی صورت می گیرد. این مبارزات سیاسی در جهان است که جهت تحول و سیمای سیاسی کنونی جهان را ترسیم می کند. به نظر مارکسیست لنینیستها، آن تضادهائی در جهان، که بیانگر وضعیت فعلی بوده و شناخت نسبت به آنها به کمونیستها یاری می رساند تا روند تحولات را بهتر بشناسند عبارتند از:

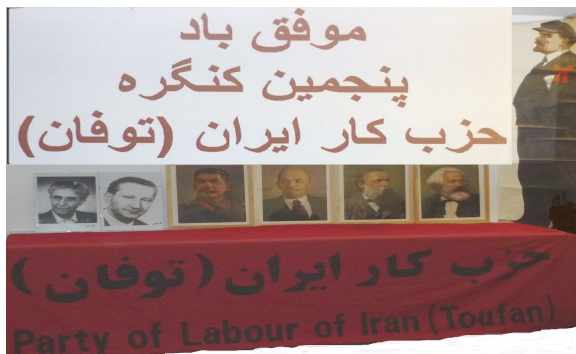
تضاد میان طبقه کارگر و بورژوازی در تمام جوامع سرمایه داری به عنوان تضاد کار و سرمایه.

تضاد میان خلقهای تحت ستم و امپریالیستها. این دو تضاد، دو تضاد دورانساز کنونی جهان هستند.

در عین حال باید از تضاد میان ممالک امپریالیستی و از تضاد انحصارات یعنی کنسرنها، کارتلها و... میان خود، برای بلعیدن و نه بلعیده شدن در عرصه رقابت انحصاری نام برد. این تضاد ها در مجموع چهره جهان کنونی را ترسیم و رویدادهای جهان را قابل فهم می سازند. در دهه اخیر تغییری در ماهیت تضادهای جهانی داده نشده است.

به نظر حزب ما تضاد عمده در جهان تضاد میان خلقهای تحت ... ادامه در صفحه ۲

پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان) با موفقیت برگزار شد



در ماه اردیبهشت در سال ۱۳۹۵، پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان) با حضور هیاتهای نمایندگی در شرایط مخفی برگزار شد. این بار در این کنگره رفقای حضور داشتند که بعد از وحدت با حزب کار ایران (توفان) برای نخستین بار در این کنگره شرکت کرده و به بارآوری این کنگره می افزودند. کنگره با یک دقیقه سکوت در احترام به جانبازان توفانی و همه شهدای راه آزادی و استقلال ایران و رهروان راه سوسیالیسم آغاز به کار کرد. ... ادامه در صفحه ۳

مستخرج از مصوبات کنگره پنجم حزب کار ایران (توفان)

پیام به کارگران ایران

پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان) بهترین دروهای خود را برای کارگران مبارز انقلابی ایران که پرچمدار مبارزات دموکراتیک و ضد نئولیبرالیستی در ایران هستند، ارسال می دارد.

ما شاهد مبارزه روز افزون انقلابی و خستگی ناپذیر شما هستیم. ما می بینیم که شما در زیر سلطه سرکوب رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی برای کسب حقوق و نیل به مطالبات خود، به مبارزه بدون ترس از پیگرد، زندان و شکنجه ادامه می دهید. پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان) سرکوب، زندانی و شکنجه شما کارگران و فعالان کارگری را توسط ... ادامه در صفحه ۴

پیام رفقای کمونیست ایتالیا به پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان)

پلاتفرم کمونیستی

برای حزب کمونیست پرولتاریای ایتالیا

به حزب کار ایران (توفان)

رفقای گرامی،

ما دروهای گرم و برادرانه خود را به کنگره ۵ حزب کار ارسال می داریم و برای رفقا و هیات نمایندگان شرکت کننده آرزوی موفقیت داریم.

حزب شما در دفاع از مارکسیسم لنینیسم، در مقابله با رژیم وحشی و سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران، در ایستادگی در مقابل تهدیدات امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل، در دفاع قاطع از حقوق کارگران و دانشجویان و زنان ایران، در مبارزه برای سرنگونی حکومت مذهبی با دورنمای پیروزی انقلاب پرولتری در ایران و تاثیر آن بر جهان، نمونه الهام بخشی از شهامت و استواری است.

امروز در همه جهان امپریالیستی و سرمایه داری، کارگران و ستمیادگان با تهاجمی ارتجاعی و سبعانه روبرو هستند. شرایط اقتصادی و سیاسی کارگران و توده زحمتکش بمراتب بدتر شده است.

همزمان، تضاد بین قدرتهای امپریالیستی و سرمایه داری تشدید می شوند. مباره بر سر کسب بازار و مواد خام و منطقه نفوذ، و بر سر تضعیف سلطه آمریکا باعث ایجاد خطر تجاوز امپریالیستی و جنگ، و تجدید تسلیحات، نظامی گری، دخالت، و فشار بر مردم و کشورهای ستمدیده می شود.

در این وضعیت، خشم و نگرانی توده های ستمدیده ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

اوضاع جهان...

ستم و امپریالیسم و صهیونیسم متجاوز است که به اشکال گوناگون در مبارزه ضد استعماری و ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه مردم جهان تجلی می نماید.

وضعیت سیاسی مشخص کنونی جهان

امپریالیستهای غرب پس از فروپاشی شوروی خروشچنی و خلاص شدن موقت از چنگ رقابت رقیب، برای تقسیم مجدد مناطق نفوذ از یک سو، به تحکیم مواضع واحد خود پرداختند و از سوی دیگر به جان هم افتادند.

وجود این تضادها شکل خویش را در گسترش پیمان نظامی ناتو به سمت شرق، تسلط بر آذربایجان، گرجستان، آسیای میانه، تجزیه یوگسلاوی، دخالت در اوکراین و تجاوز به عراق و افغانستان، لیبی و در سوریه بروز می دهد. آمریکای لاتین و بویژه آفریقا نیز به عرصه درگیری های امپریالیستی بدل شده اند. در حالی که دخالت امپریالیستی در آمریکای لاتین در شکل کودتا، خرابکاری، ایجاد تزلزل و تنش، محاصره اقتصادی و تقویت همه جانبه اپوزیسیونهای خودفروخته بروز می کند، در آفریقا شکل این دخالت حضور نظامی و سرکوب مستقیم و ایجاد درگیری های منطقه ای است. جنگهای نیابتی جای جنگهای جهانی را در شرایط کنونی برای حل بحرانهای سیاسی و اقتصادی در وضعیت کنونی گرفته است.

امروز امپریالیسم چین در جنوب شرقی آسیا سربلند کرده است. چین به دومین قدرت بزرگ اقتصادی جهان بدل شده که از مناطق نفوذ اقتصادی و سیاسی فراوانی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین برخوردار است. امپریالیسم چین به آهستگی در سراسر جهان عمدتاً نفوذ اقتصادی خویش را گسترش می دهد و سیاست محتاطانه ای را در این عرصه اتخاذ کرده است. تلاش این امپریالیسم پرهیز از درگیری نظامی در شرایط نامناسب کنونی برای وی و تقویت قوای خویش به ویژه از نظر نظامی می باشد. امپریالیسم چین تمایلی به اتحاد نظامی با روسیه نشان نداده است. این امپریالیسم با حسابگری درک می کند که هنوز قدرت مقابله با امپریالیسم آمریکا را از نظر نظامی در عرصه جهان ندارد و به این جهت از شاخ و شانه کشیدن غیر ضروری دوری می جوید.

امروز یکی از مراکز تراکم تضادهای جهانی در اقیانوس آرام است که امپریالیسم آمریکا آنرا منطقه نفوذ خود توصیف کرده و از هم اکنون رقابت سختی را با سوسیال امپریالیسم چین که در زیر نقاب "سوسیالیسم" به فریب مردم جهان مشغول است، آغاز کرده است. امپریالیسم آمریکا می کوشد در این منطقه بازگیری کند و همه ممالکی را که از قدرتمند شدن چین واهمه دارند به دور خویش جمع کرده و جبهه متمرکز

و متشکلی در مقابل هجوم سیاسی و نظامی چین در منطقه شرق و جنوب شرقی آسیا ایجاد نماید. در این عرصه امپریالیسم آمریکا به متحدان قدیمی خویش نظیر فیلیپین، اندونزی، استرالیا، کره جنوبی، جزیره تایوان و ژاپن تکیه کرده و تلاش دارد ممالک هندوچین، میانمار را برای محاصره چین و نظارت بر آبراه های راهبردی جهان در دریای جنوبی چین به سمت خود جلب کند. نظارت بر این آبراه ها که شریانهای صدور کالا و غارت مواد خام و تامین کننده منابع تغذیه امپریالیستها هستند برای حفظ اقتدار و سرکردگی در جهان مهم اند. در مقابل آن دولت چین به احداث و احیای جاده ابریشم از طریق ساختن خط راه آهن پرداخته که ممالک آسیای میانه را با ایران و از طریق ایران به اروپا متصل می کند. یکی از سریعترین قطارهای جهان در این خط به کار می افتد. احداث این خط ارتباطی با کشور چین، یک اقدام راهبردی در رابطه ی سیاسی و اقتصادی چین با ایران و اروپاست. اتصال این خط از طریق عراق و سوریه به اروپا به انزوای کامل ترکیه متحد امپریالیسم آمریکا منجر می شود و ارزش راهبردی سیاسی و اقتصادی این کشور را کاهش می دهد.

در بستر این سیاست است که امپریالیسم ژاپن که حتی بر اساس قانون اساسی موجودش حق تسلیح و بنای یک قدرت نظامی تجاوزکارانه را ندارد، با تأیید و فشار امپریالیسم آمریکا، برای مقابله با چین با تبلیغات ناسیونال شونیستی و تکیه به سنتهای برتری جوئی ملی دوران فاشیستی خویش در جنگ جهانی دوم، تا دندان مسلح می شود و در مقابل توسعه طلبی چین از مناطق نفوذ خویش به دفاع بر می خیزد. تقویت امپریالیسم ژاپن خاطره دوران استعمار وحشیانه این امپریالیسم را در شرق آسیا مجدداً زنده می کند و حتی کره جنوبی را محتاط می نماید، زیرا مردم کره صدمات فراوان از تسلط فاشیستهای ژاپنی در دوران تسلط استعمار کره کشیدند. کره جنوبی متحد امپریالیسم غرب در شرق آسیاست، ولی در عین حال از تسلیح ژاپن و توسعه طلبی آن واهمه دارد. در همین راستاست که امپریالیستها در سیاست کره شمالی برای انعقاد صلح با آمریکا و تلاش برای وحدت دو کره سنگ اندازی می کنند، زیرا این وحدت متناسب با سیاست محاصره چین و روسیه در شرق آسیا نمی باشد. تلاشهای امپریالیسم غرب به رهبری آمریکا در شرق را باید به آینده نگری امپریالیسم آمریکا که از قدرتمندی چین هراس دارد مربوط دانست.

امپریالیسم چین ولی از هم اکنون در امور داخلی کشورها دخالت می کند و حق حاکمیت ملی جمهوری دموکراتیک کره را در مداخلات با امپریالیسم آمریکا، به زیر پرسش می کشد و

مدعی می گردد: "کره شمالی به هیچ وجه نباید با اسلحه اتمی مسلح گردد".

رویزیونیستهای روسی که با فریب مردم و مشارکت در غارت جهان، همزیستی مسالمت آمیز با امپریالیسم آمریکا را تبلیغ می کردند و به تبانی و رقابت با این امپریالیسم در جهان مشغول بودند و می خواستند دنیا را بین خود تقسیم کنند، از واقعیات رویدادهای جهان کنونی و نقش استیلاگرانه امپریالیسم آمریکا، واهمه کرده، به باخت خویش پی برده و متوجه شدند که اهداف راهبردی امپریالیسم آمریکا در عین حال تضعیف روسیه، رقیب قدیمی قدرتمند خود، تسلط بر آن، بلعیدن بازارها و مناطق نفوذ وی و سرانجام تجزیه و تکه تکه کردن روسیه بزرگ است.

تغییر سیاست راهبردی روسیه امپریالیستی در مقابل آمریکا و ایستادگی ولادیمیر پوتین رئیس جمهور کنونی روسیه، در زیر پرچم ناسیونالیسم روس و کلیسای ارتدکس، در مقابل تهاجمات دیپلماتیک، سیاسی و نظامی و اقتصادی امپریالیسم غرب از همین واقعیت نشات می گیرد. در این راستا روسیه قصد دارد که در صورت امکان امپریالیسم آلمان را با خود متحد ساخته و یا حداقل بی طرف نگهدارد، ولی در این زمینه تا کنون کاملاً موفق نبوده است. تشدید تضاد میان امپریالیسم روس و اروپا و دامن زدن به آن از تاکتیکهایی است که آمریکا در اروپا بازی می کند. هدف این تاکتیک ها از یکسو تضعیف قدرت تعیین کننده اروپا و بویژه آلمان و از سوی دیگر جلوگیری از قدرتیابی مجدد روسیه و تثبیت قدرت امپریالیسم آمریکا به عنوان ابرقدرت بی رقیب می باشد. دولت ترکیه همراه با پاره ای از ممالک اروپای شرقی و غربی نظیر دانمارک و هلند، نقش موثری در این گسترش نفوذ امپریالیسم آمریکا در اروپا دارا می باشند.

این زورگوئی امپریالیسم آمریکا که اروپا را با زور به هر طرف که بخواهد می کشاند موجب شده، در اروپا محافلی از هواداران همکاری با روسیه و کنار آمدن با وی برای حفظ صلح در جهان و به طریق اولی در اروپا، پدید آیند که از قدرت قابل توجهی نیز برخوردارند. آنها در ارزیابیهای سیاسی خویش با توجه به مصالح امپریالیستی کشور خود که فعلاً خواهان صلح و امنیت هستند، امپریالیسم روسیه را بخشی از عوامل تثبیت سیاست صلح در اروپا و حفظ امنیت کنونی بررسی کرده و خواهان همکاری با امپریالیسم روسیه هستند، زیرا این سیاست را برای حفظ توازن با آمریکا مناسب می دانند. به نظر آنها اروپا باید تمام آسیبهای جانبی سیاستهای نادرست و تجاوزکارانه آمریکا در آفریقا و خاور میانه و دخالتهای ناروایش در آمریکای لاتین... ادامه در صفحه ۳

اوضاع جهان...

را تحمل کند و این امر موجودیت اتحادیه اروپا را به خطر می اندازد.

امپریالیسم چین و امپریالیسم روس در پی آن هستند تا در جبهه مشترکی متحداً به مصاف امپریالیسم قدرتمند آمریکا بروند و در تمام عرصه ها بدیل قابل اتکائی چه از نظر اقتصادی، مالی، پولی و سیاسی ایجاد نمایند. در این چارچوب هست که ما می توانیم سیاستهای این دو امپریالیسم را در ایجاد اتحادیه ها و بانکها، مبادلات تجاری و همکاری های جهانی و یارگیری در میان ممالکی که استقلالشان از جانب امپریالیسم آمریکا تهدید می شود درک کنیم.

ابزارهای استعماری سیاست اقتصادی**امپریالیسم غرب و جبهه اش**

امپریالیسم غرب و در راسش آمریکا با سیاست نظم نوین جهانی در پی آن است که سلطه سرمایه امپریالیستی را به اقصای نقاط جهان بکشاند و با تار و پود سرمایه گذاری های خویش در عرصه های سودآور به نظارت بر جهان بپردازد. در عرصه سیاسی، سیاست آنها سیاست عملیات بازدارنده می باشد و این بدان مفهوم است که امپریالیسم آمریکا خود را محق می داند جلوی هر رقیب احتمالی در آینده را با استفاده از ابزار نظامی و سلاح قهر بگیرد تا مبدا رشد رقیب برای وی در آینده مشکلاتی فراهم کند که درگیری محتوم آنها به ضرر امپریالیسم آمریکا تمام شود. این سیاست پیشگیرنده نظامی بخشی مهم در سیاست راهبردی امپریالیسم آمریکا در قرن ۲۱ است. این امپریالیسم به غیر از تهدیدات نظامی با ماهیت "پیشگیرانه"، در عرصه سیاست تهاجمی اقتصادی به سلاح تحمیل اقتصاد نئولیبرالیسم توسل جسته است. امپریالیسم غرب این سیاست را در همه جا با هجوم اقتصادی و سیاسی و حتی نظامی اعمال می کند. انگیزه اساسی این تحولات به زیر سلطه کشیدن همه بشریت به عنوان بردگان مدرن هستند که باید برای شرکتهای فراملیتی و یا کنسرنهای آمریکائی و اروپائی کار کنند. امپریالیسم غرب برای پیشبرد این سیاست، جهانی سازی ابزارهای استیلای خویش را خلق کرده و به کار می گیرد. این ابزارهای استعماری عبارتند از: بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، ایجاد و بکارگیری مناطق آزاد تجاری همراه با تحمیل شرایط به کشورها. بیکاره کردن دولتها و تبدیلاتشان به کارگزاران دول امپریالیستی و کنسرنهای بزرگ جهانی که جای دولتهای رفاه در اروپا و جهان را می گیرند بخش مهمی از سیاست اقتصادی نئولیبرالی آنها است. وضعیت طوری می شود که همه دنیا به عنوان بردگان

مدرن برای امپریالیستها و شرکتهای آنها کار می کنند. این است دورنمای سیاستهای اقتصادی نئولیبرالی امپریالیسم. به این ترتیب است که می توان به جرات گفت ما با پدید آمدن یک نوع مدرن از استعمار در جهان روبرو هستیم.

پنجمین کنگره حزب کار...

حزب کار ایران (توفان) خاطر نشان ساخت که حزب ما وارث سنتهای جنبش کمونیستی ایران از آغاز فعالیت حزب کمونیست ایران، حزب توده ایران تا موقعی که به مارکسیسم لنینیسم وفادار بود، سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان تا به امروز می باشد و این حزب ماست که در آشفته فکری کنونی رایج میان فعالان کارگری و روشنفکری مدعی اعتقاد به سوسیالیسم، پرچم مارکسیسم لنینیسم را به دوش می کشد و از دستاوردهای عظیم سوسیالیسم در شوروی دوران لنین و استالین به حمایت بر می خیزد. کنگره حزب ما با این روحیه و عشق عمیق نسبت به سوسیالیسم و رهروان راه آن، کار خویش را آغاز نمود. در همین رابطه حزب ما لازم دانست از مبارزه کمونیستی و جسورانه رفیق نیما کوهنایی در ایران تجلیل کند و از درگذشت زودرس و غیر قابل انتظار وی ابراز تأسف نماید و آنرا ضایعه ای برای جنبش کمونیستی ایران ارزیابی نماید. حضور این رفیق جوان با دانش کمونیستی و اعتقاد عمیق به مارکسیسم لنینیسم در میان نسل جوان بعد از انقلاب ارزش ویژه ای داشت که با تأسف مانند غنچه ناشگفته ای پژمرد. مسلماً جنبش کمونیستی مارکسیستی لنینیستی ایران فرزندان جسور و معتقد خویش را مجدداً به بار می آورد و به جنبش کمونیستی تقدیم می کند.

حزب کار ایران (توفان) به دانش مبارزه طبقاتی اعتماد عمیق دارد و به همین جهت هرگز به افسانه ی "تئوری های بورژوائی آزادی های بی قید و شرط" دل نمی بندد و به دموکراسی بورژوازی تروریسم دولتی دول ممالک امپریالیستی، ذره ای اعتماد ندارد. به این جهت کنگره در شرایط مخفی و با تمام الزامات یک مبارزه مخفی، با تدارک یکساله برگزار گردید.

سالن کنگره با پرچم حزب کار ایران (توفان) همراه با تصاویری از رهبران بلامنازع جنبش کمونیستی: مارکس، انگلس، لنین، استالین و دو تصویر از

بنیانگذاران "سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان" رفقا احمد قاسمی و دکتر غلامحسین فروتن، دو تن از رهبران حزب توده ایران که در مبارزه با رویزیونیسم، پرچم مبارزه با دشمنان کمونیسم را برافراشتند و تمام تحولات تکامل شوروی رویزیونیستی را تا به امروز پیشگوئی کردند، مزین شده بود.

هیات مرکزی حزب کار ایران در سالهای گذشته شاهد شتاب در تحولات و رویدادهای ایران و جهان بود و می بایست اشکال مناسبی را برای ایجاد وحدت اندیشه و عمل در تمام صفوف حزب پیدا نموده و با توجه به حجم کار و سرعت این تحولات با ابتکارات جدید، راه های عملی برای اعمال رهبری کمونیستی حزبی پیدا نماید. در این راستا قبل از برگزاری کنگره چندین سمینار و نشست وسیع پلنوم کمیته مرکزی برگزار شد که در این نشستها نه تنها اوضاع و رویدادهای ایران و جهان به بحث گذارده شد، بلکه طرح ها و پیشنهادات هیات مرکزی برای آینده و تبادل نظر با رفقای حزبی مطرح می گردید. در همین برخوردهای رفیقانه و حزبی معلوم می شد در چه زمینه هائی، عدم وحدت نظر وجود دارد و نیاز به بحثهای تئوریک و پژوهشی در این عرصه ها، احساس می شود. حزب ما دموکراسی پرولتری را در شرایط مخفی به بهترین وجهی به اجرا می گذارد. یکسال قبل از کنگره پنجم، رهبری حزب، رئوس مهم بحثهای کنگره را به میان رفقا برد و سپس این مسایل را تا سه ماه قبل از کنگره در اختیار همه رفقا برای بحث و اظهار نظر قطعی با تعیین مهلت زمانی تصمیم گیری قرار داد. هیات مرکزی بر این نظر بود که نمایندگان باید نسبت به همه اسناد کنگره: گزارشهای سیاسی، قطعنامه ها، پیام ها و... از قبل آمادگی داشته باشند و به اظهار نظر در مورد آنها، در قبل از کنگره بپردازند. کنگره نمی تواند وظیفه سمینار حزبی را به عهده بگیرد. این است که تا قبل از کنگره باید همه نظریات مدون شده و اسناد موافق و مخالف به کنگره برای اعلام تصمیم نهائی ارائه شود. کنگره فقط در مورد مسایل مورد اختلاف به بحث، تبادل نظر و اعلام رای نهائی می پردازد. در مورد سایر مطالبی که بر سر آن قبل از کنگره توافق کامل وجود داشته است، فقط با رای خویش اظهار نظر می کند. با توسل به این روش از حجم کار کنگره کاسته ... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

خطراتی که مبارزه زنان را...

صورت پذیرد. در این صورت است، که زندگی انسانها در کنار هم، زندگی انسانهای متساوی الحقوق بوده و یک زندگی دموکراتیک، آزادانه و سالم است. این همزیستی سالم و برابر می تواند به ایجاد جامعه ای منجر شود که مملو از آزادی و دموکراسی و شکوفائی باشد. کسب این حقوق برای زنان یعنی ایجاد سلامت زندگی اجتماع، تضمین آینده جامعه پویا.

ولی زنان در عین اینکه از قشر واحدی بوده و دارای منافع مشترکی در داشتن حقوق مشترک هستند که باید از هر نظر مساوی حقوق مردان جامعه باشد، در جامعه طبقاتی زندگی می کنند و محکوم به تبعیت از قوانین مبارزه طبقاتی هستند. زنان طبقات اشراف در عین اینکه در اثر فقدان حقوق دموکراتیک و عدم تساوی حقوقی مورد ستم قرار دارند، ولی مورد بهره کشی طبقات حاکمه که خودشان بخشی از آن محسوب می شوند، قرار نمی گیرند و چه بسا خود در استثمار زنان طبقات فرودست شریک هستند.

تاریخ اجتماع، تاریخ مبارزه طبقاتی است؛ این مرز است که ماهیت مبارزه را تعیین کرده و جایگاه هر کس را در این مصاف طبقاتی روشن می سازد. جنسیت، قومیت، ملیت، دین و... تعیین کننده مبارزه طبقاتی نیست. بهره کشی انسان از انسان است که بر سایر تنوعات اجتماعی سایه می افکند. به همین جهت نیز عدم تساوی حقوق اجتماعی زن و مرد، ریشه در اختلافات طبقاتی دارد و نه در جنسیت مرد و زن.

ارتجاع حاکم در همه ممالک برای کسب سود بیشتر و حفظ سلطه سیاسی خویش تلاش می کند به سایر طبقات و بخش های اجتماعی ستم کند. ستم بر طبقات و بخشهای فرودست به مفهوم ستم بر طبقه یعنی بر مرد و زن است. زنان طبقات حاکم حتی به مردان و زنان طبقات "محکوم" نیز ستم روا می دارند. این است که ستم بر زنان زحمتکش ستم چند لایه است. نقض حقوق زنان و ممانعت از تساوی آن با حقوق مردان ماهیتا در نظام طبقاتی نهفته است و تنها با نابودی طبقات می شود زمینه مادی ستم بر زن را از بین برد. لذا مبارزه برای رفع ستم بر نیمی از جامعه انسانی به آزادی طبقه کارگر و استقرار جامعه سوسیالیستی که تمام شرایط مادی و فرهنگی رفع این ستم را نیز فراهم می آورد وابسته است.

به این جهت حزب ما سرنوشت رهایی زنان را از ستم مضاعف به سرنوشت پیروزی انقلاب سوسیالیستی پیوند می دهد و معتقد است بدون پیروزی سوسیالیسم هیچ تحول ریشه ای در رابطه با آزادی زنان وجود ندارد. هرگز امکان ندارد فقط نیمه ی مردانه جامعه آزاد شود. فقط زمانی که همه جامعه آزاد شده است، آزادی هر

بخش از جامعه تامین و تضمین است. بدون آزادی زنان آزادی مردان و بدون آزادی مردان آزادی زنان مقدور...

ادامه در صفحه ۵**پنجمین کنگره حزب کار ...**

شده، بحث و تبادل نظر در مورد مسایل در قبل از کنگره صورت پذیرفته و کنگره تنها در مورد گزارشهایی از هیات مرکزی اظهار نظر می کند که انتشار قبلی آن به صورت رسمی حتی در درون حزب بلامانع بوده است و جنبه پنهانی آن حتی بعد از کنگره نیز باید حفظ شود.

کنگره در تحت این شرایط به گزارش فعالیتهای هیات مرکزی و طرحهای پیشنهادی این رفقا گوش فرا داد. کنگره به اتفاق آراء گزارش های سیاسی هیات مرکزی را که به تدریج در ارگان حزبی منتشر خواهد شد و به صورت جزوه ای جداگانه نیز در تارنمای حزب کار ایران(توفان) نصب خواهد گردید، به تصویب رسانید. تنها در مورد یک قطعنامه مطروحه از جانب هیات مرکزی که در قبل از کنگره نیز بر سر آن به عنوان موافق و مخالف بحث شده بود، پس از بحثهای فراوان نتوانست به اتفاق آراء نایل آید، این قطعنامه با اکثریت قابل توجه نمایندگان کنگره حزبی به تصویب رسید.

پس از پایان گزارشها برای عملکرد چند ساله هیات مرکزی در این مدت رای گیری شد و کنگره به اتفاق آراء گزارش کار این رفقا را در این فاصله به تصویب رسانید. کنگره سپس به بحث و تبادل نظر در مورد پیشنهادات رفقای سابق هیات مرکزی برای کار آینده حزب دست زد و آنها را نیز همراه با پیشنهادات جدیدی نیز به تصویب رسانید. کنگره به انتخاب هیات مرکزی جدید دست زد و بعد از چند روز کار مداوم و خستگی ناپذیر با خواندن سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

برای کنگره حزبی بیش از ۱۱ پیام از رفقا احزاب برادر رسیده بود که چندین پیام رفقای احزاب برادر در کنگره قرائت گردید و مورد استقبال رفقای نماینده قرار گرفت. سایر پیامهای رفقای احزاب برادر به فارسی برگردانده شده و در ارگان حزب به چاپ می رسد.

پیام به کارگران ایران...

رژیم جمهوری اسلامی محکوم می کند. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که دشمن طبقاتی شماست در خدمت منافع سرمایه داران مانع از آن است که شما به حقوق حقه خود دست یافته، به ایجاد سازمانهای صنفی و مستقل موفق گردید. در چند دهه گذشته شما کارگران ایران برای ایجاد سازمانهای مستقل کارگری علیرغم

پیام رفقای کمونیست ایتالیا...

و استثمار شده کشورهای مختلف در اشکال اعتصابات عمومی و کارگری و تظاهرات جوانان نمود، پیدا می کند، شرایطی که در آن احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست برعلیه اپورتونیسم و رویزیونیسم وارد عمل شده و مردم را به مبارزه برای انقلاب و سوسیالیسم دعوت می کنند.

ما می دانیم که در کشور شما هم علیرغم سرکوب شدید دولتی، کارگران و جوانان و زنان و بخشهای عمومی جامعه به مبارزه شان برای آزادی و دموکراسی واقعی، برای افزایش دستمزد، شرایط بهتر کار، و برای تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری ادامه می دهند.

ما بطور روشن از این مبارزات شجاعانه حمایت نموده و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را که در مقابل امپریالیستها زانو زده و برعلیه کمونیستها و انقلابیون و کارگران و فعالین توده ها دست به سرکوب وحشیانه و شکنجه و دستگیری خودسرانه می زند محکوم می کنیم.

ما یقین داریم که طبقه کارگر و زحمتکشان و مردم رنجیده ایران تحت رهبری حزب کار ایران بپا خاسته و رژیم جمهوری اسلامی را بزیر می کشند و در روند یک انقلاب سوسیالیستی موفق به پیش خواهند رفت.

همبستگی کامل با مبارزات کارگران و مردم ایران برای کسب حقوق دموکراتیک برای یک نظام اقتصادی و اجتماعی نوین بر اساس مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید که خود را وقف برآورد کردن نیاز توده ها و جامعه کند.

زنده باد حزب کار ایران (توفان)!

زنده باد مارکسیسم لنینیسم!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

پلاتفرم کمونیستی - برای حزب کمونیست پرولتاریای ایتالیا

سرکوب شدید، فعالیت نموده و این مبارزه را تا به امروز پیش برده اید.

رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند، **همبستگی کارگران را درهم شکسته** و با

استثمار شدید کارگران افغانستانی و بی حقوقی آنها، به ایجاد نفاق و دو دستگی میان کارگران دامن زده و چنین وانمود کند که علت بیکاری کارگران ایرانی را باید در اشتغال کارگران افغانستانی جستجو کرد. ما اطمینان داریم شما رفقای کارگر این دسیسه های جمهوری اسلامی را با همبستگی خود با کل کارگران شاغل در ایران درهم خواهید شکست.

زنده باد مبارزات کارگران ایران برای کسب حقوق صنفی، دموکراتیک و سیاسی خویش.

انقلاب کبیر اکبر ناقوس مرگ دنیای سرمایه داری و تولد دنیای نوین بود

خطراتی که مبارزه زنان را...

نیست و این امر تنها در عرصه مبارزه طبقاتی مقدور است. کمونیستها از آنچنان سرشتی برخوردارند که پس از کسب قدرت سیاسی حتی حقوق دموکراتیک زنان طبقات حاکمه، که توسط نظام طبقاتی و حتی مردان آنها سرکوب شده است، را برسمیت می شناسند. کمونیستها حقوق غارتگری و طبقاتی آنها را از بین خواهند برد. امپریالیسم و دشمنان بشریت از آزادی زنان می هراسند. در هیچکدام از ممالک امپریالیستی نمی توانید تساوی دستمزد زنان با مردان را در مقابل کار مساوی مشاهده کنید. امپریالیسم برای تقویت خود به کار زنان و کودکان نیاز دارد و لذا نمی تواند از حقوق دموکراتیک آنان دفاع کند. همین حقوق دموکراتیک که زنان تا کنون توانسته اند به چنگ آورند، محصول مبارزه خود آنها و حمایت جنبش کمونیستی و کارگری از آنها بوده است. زنان در پیوند با مردان کمونیست، دموکرات و انقلابی توانسته اند به این حقوق نایل شوند و باید این مبارزه با همین مضمون ادامه یابد.

امپریالیسم و ارتجاع برای درهم شکستن مبارزه زنان جهت کسب حقوق دموکراتیک خود، برای برهم زدن جبهه مشترک مبارزه انقلابی زنان با مردان تلاش دارد به لطایف الحیل در این جبهه با هجومهای ایدئولوژیک و توسط عوامل دست پرورده خویش نفوذ کرده و این جبهه قدرتمند را در هم بشکنند. یکی از زمینه های مبارزه ایدئولوژیک بورژوازی امپریالیستی، ایجاد تفرقه میان زنان با مردان است، به این عنوان که گویا ریشه های عدم تساوی حقوق زن و مرد، نه در بنیاد نظام استثمارگرانه طبقاتی، بلکه در نوع رفتار **مردها** نسبت به زنان، قرار دارد. آنها موقعیت پائین اجتماعی زن در جامعه را ناشی از **خوشنتمهای فردی مردها** جلوه می دهند. نوع این برخورد دشمنانه و مرد ستیز، عملاً پرده ای بر حقایق کشیده و دلایل ستم بر زن و همینطور راه حل های آن را از چشم توده زنان تحت ستم و آزادیخواهان پنهان می دارد. آنها تلاش می کنند معلول های اجتماعی را که نباید به هر صورت نافعی وجودشان شد، به عنوان علل ریشه ای فقدان حقوق دموکراتیک در جامعه جا بزنند. این است که به "مردسالاری" تکیه می کنند. مردسالاری در آنجائی که وجود دارد و عمل می کند، تنها بازتاب وجود جامعه طبقاتی و ستم طبقاتی است. برای نابودی مردسالاری نیز باید حاکمیت در قدرت را سرنگون کرد تا راه بدون مانع تغییرات فرهنگی و هر تحول انسانی اجتماعی هموار گردد.

بخشی از جنبش فمینیستی، از این ریشه یابی طبقاتی عاجز است. بسیاری از فمینیستها عاجزند درک کنند که بسیاری از خوشنتمها بر زنان توسط بورژوازی ترویج یافته، نهادینه شده، و به "عرف جامعه" در آمده است. البته همه فمینیستها تا به این حد کم ضرر نیستند و در ناآگاهی های تاریخی خویش غوطه نمی خورند، فمینیستهای

نوع دیگری هم هستند که ماموریت های سیاسی بر دوش می کشند. روش دیگر امپریالیستها دامن زدن به جنبشهای فمینیستی است که صرفاً جنبشهای **مردستیزانه** است تا مسیر مبارزه اجتماعی تغییر کند و نیمی از جامعه به تحریک علیه نیمی دیگر از جامعه برانگیخته شود. در همین راستا عمال امپریالیسم توسط اندیشمندان دست پرورده خویش مفهوم آزادی زن را تا سر حد آزادی بی قید و شرط جنسی تنزل داده و نمایشات برهنگی در ملا عام را به عنوان مدرنیسم و مبارزه با "عقب ماندگی"، "تابو



شکنی" تبلیغ می کنند تا در زنان فریب خورده القاء کنند، که گویا با نمایش اندام برهنه خود، به کمال آزادی و رستگاری رسیده اند و باید سایر زنان را نیز به این امر ترغیب کنند. برای آنها جنبش لختی ها بیان آزادی های بی قید و شرط و بیان زندگی در یک جامعه آزاد است. بتدریج در فرهنگ این فمینیستها، هرزگی جای آزادی جنسی و آزادی جنسی جای عشق را می گیرد و دردی که به عنوان روش مبارزه برای تساوی حقوق جازده می شود و نوع جدیدی از لومپنیسم پرورده می شود که در کودتاهای مدرن امپریالیستی، وظایف معین سیاسی را به عهده بگیرند. کاروان "عشق" و هرزگی راه می اندازند، در مشروبخواری افراط می کنند، در استفاده از مواد مخدر کم نمی آورند تا چنین القاء کنند، که گویا به عرش آزادی و برابری رسیده اند. این تبلیغات مغزشوینانه، برای امپریالیستها از آن جهت اهمیت دارد، که در سیاستهای نئولیبرالی نظم زدائی، تکیه به منش فردی، آزادی فرد، "آزادی" روابط جنسی، آزادی تجارت کالا، آزادی تجاوز به حقوق ملل ... بدیلی در مقابل جنبشهای انقلابی اجتماعی ایجاد کرده و روزنه اطمینانی در حرکت های سرکشانه اجتماعی تعبیه کنند و آنها را آزادانه و داوطلبانه بدون آگاهی طبقاتی به بیراهه بکشانند. سیاست نئولیبرالی امپریالیستی بازتاب خویش را در "آزادی زن برهنه" نیز که متکی بر خود است و داوطلبانه سنت شکن است و دارد قدرت خویش را به رخ مردها می کشد، پیدا می کند. امروز فمینیسم همانا نوعی تاثیر سیاست اقتصادی نئولیبرالی امپریالیستی در میان قشر زنان است. فمینیسم مباشر و خمدستکار وفادار بورژوازی از آب درآمده است. از بالا بردن زنان و حق السهم گرفتن آنها در سطوح بالای تصمیمگیری ها سخن می راند. این نوع فمینیسم جریانی ارتجاعی و خطرناک بوده و کمونیستها

باید با این حرکت مبارزه کنند. مبارزه با فمینیسم زن ستیزی نیست، مبارزه با دشمنان زن نمای زنان است.

به تدریج به جای روشنگری در زمینه طبقاتی خشونت گری در خانواده و خشونت نسبت به کودکان و زنان، مرد به عنوان عامل خشونت و نه قربانی جامعه طبقاتی و محصول بهره کشی کمر شکن و بی امان روند تولید جامعه سرمایه داری معرفی می شود. و در نتیجه جنبش خشونت زدائی به صورت یک جانبیه و غیر طبقاتی به پیش برده شده که در طنین بالای اعتراضی نسبت به آن، اساس ریشه های مبارزه طبقاتی و خشم آکنده درون کارگران به علل از خود بیگانگی و استیصال و فقر و بی دورنمایی و یاس و ... و یا در درون مردان به عنوان نان آوران خانواده در روند تولید اجتماعی تحت الشعاع قرار می گیرد.

حزب کار ایران (توفان) برای تامین حقوق دموکراتیک همه زنان صرفنظر از وابستگی های طبقاتی آنها مبارزه می کند. کسب حقوق زنان و مبارزه برای تساوی این حقوق با مردان در تمام زمینه ها یک مبارزه اصولی بوده و تجزیه بردار نیست. مبارزه ای است که بر فراز تعلقات طبقاتی قرار دارد.

حزب کار ایران (توفان) مبارزه برای رفع ستم بر زن را مبارزه ای طبقاتی دانسته و برای حل قطعی آن تلاش می کند. تا زمانی که طبقات و ستم طبقاتی وجود دارد زنان قادر نیستند به همه حقوق خویش در کلیه زمینه های اجتماعی نایل آیند. به این جهت حزب ما بر این نظر است که جنبش توده ای و دموکراتیک نهضت زنان باید با جنبش سیاسی طبقه کارگر پیوند بخورد تا تامین آتی این حقوق تضمین باشد.

حزب کار ایران (توفان) همه آن جنبشهای رنگارنگ زنان را که تصور می کنند به صرف زن بودن از حقوق ویژه ای برخوردارند تا به دامن امپریالیسم و صهیونیسم پناه برده حقوق بشر را خودسرانه تفسیر کرده و با مرد ستیزی مانع مبارزه طبقاتی و گمراهی زنان شوند افشاء می کند. بخشی از این حرکتها مشکوک و ساخته دست امپریالیستها هستند که باید آنها را افشاء کرد تا مبارزه دموکراتیک زنان ایران به گمراهی نرود.

حزب کار ایران (توفان) از هر حرکتی که به رفع ستم از زنان منجر شده و سرکوب آنها را حتی تقلیل دهد، حمایت می کند و خود در این زمینه فعال است تا این حقوق بتوانند تامین شوند. باید بر این تکیه کرد که بدون شرکت فعال خود زنان در مبارزه، امکان هیچ پیروزی ... ادامه در صفحه ۶

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند.
صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

خطراتی که مبارزه زنان را...

و کسب سنگرهای مناسب از طبقه حاکمه میسر نیست.

اسناد پاناما و بی آبرونی...

حاجت به بیان است، هرگز جنبه افشاءگرانه ندارد و بیشتر به یک سیاست گرد و خاک کردن شبیه است و حتی خود این سلاطین نیز منکر این ثروتها نمی شوند، چون انکار و یا اعتراف به آن در سرنوشت سیاسی آنها در این ممالک، که مردم نقشی در آن ندارند، تاثیری ندارد. این اسناد نتیجه پژوهشگری و کشفیات قرن بیست و یکم نیست، بیان واقعیتی است که همه تا کنون می دانسته اند و انتشار آن در باره این ممالک نیز نقش شگفت آوری را برای افکار عمومی بازی نمی کرده و نمی کند. این خلفاء در واقع "اموال شخصی" خویش را در پاناما و یا ممالک دیگر از طریق پاناما حفظ کرده اند. آنچه در مورد عربستان سعودی و قطر شگفت آور نیست و جزء **اموال خصوصی** و "طبیعی" آنها است، در مورد چین و رهبران حزب "کمونیست" چین وضع دیگری خواهد داشت. در کشور چین حزب رویزیونیستی چین که چهارنعل راه شوروی سابق را می پیماید، "پرچم مبارزه با فساد" را برافراشته و بسیاری مفسدان چینی را (بخوانید رقبای راجوفان) به زندانهای طولانی محکوم کرده و یا تحت پیگرد قرار داده است، دارای رئیس جمهوری است که یکی از پرچمداران این مبارزه است و خود را مانند همه رویزیونیستهای ریاکار و ضد کمونیست، کمونیست جا می زند تا کمونیسم را بدنام کند. رهبران حزب "کمونیست" چین نمی توانند مانند ملک سلمان و یا امیر قطر از "مالکیت خصوصی" و "اموال خصوصی" خویش صحبت کنند. ظاهرا در چین "کمونیستی" نباید مالکیت خصوصی بر وسایل تولید وجود داشته باشد که از آن میلیاردی زاده شود و آنهم میلیاردی دزد و جهانگشا. باید پرسید چه روابطی در چین وجود دارد که می شود به راحتی میلیاردها دلار را از این کشور دزدید و به خارج منتقل کرد و کسی از آن سر در نیاورد؟ روشن است که فقط یک نظام مافیائی قادر است به این راهزنی سر و سامان دهد و آنرا اداره کند.

وقتی به اسنادی دزدی رهبران خائن به کمونیسم، این یاران چینی خروشچف و برژنف، نگاه می کنیم موی بر بدن ما سیخ

می شود نه از آن جهت که آنها دزدند و دسترنج طبقه کارگر چین را می دزدند، بلکه از آن جهت که آنها به مردم، به توده ها و آینده کشور عظیم چین اعتمادی ندارند و از هم اکنون قدر عاقبت را می دانند و می خواهند سر بزنگاه خاک چین را ترک کرده و به غرب فرار کنند؟!؟. چنین رهبران با چنین برداشتی از سرنوشت ملت و کشور چین، تنها می توانند برای چین که رفیق مائو تسه دون آنرا از قعر تاریکی بیرون کشید، ظلمت نامتناهی ایجاد کنند.

اسناد پاناما در کشور چین با سر و صدا و تبلیغات، بدون بخش مربوط به چین منتشر شده است و از آنجا که شبکه مجازی در چین، تحت نظر دولت است، مردم چین امکان دسترسی به این غارت دسترنج کارگران چینی را توسط رهبران "حزب کمونیست چین" ندارند. انتشار این اسناد بدون ذکر نام چین و رهبران دزدش در این کشور، حداقل از نظر مقامات چینی و دستگاههای تبلیغاتی آنها، اعترافی به صحت این اسناد است.

تذکر یک نکته از جانب حزب کار ایران (توفان) لازم است و آن اینکه میان تبلیغاتی که در مورد "اسناد نامرئی" که وجود ندارند، ولی از آنها نام برده می شود و اسنادی که واقعا وجود دارند و غیر قابل انکارند، باید تفاوت گذارد. اسنادی به هر دلیل منتشر شده اند که وجودشان غیر قابل انکارند. اینکه سازمانهای جاسوسی در آن دست داشته اند، نیز به نظر حزب ما غیر قابل انکارند و اینکه از این اسناد امپریالیسم جهانی خودسرانه به نفع خود تفسیر کرده و یا دروغ سرهم بندی می کند تا نیات سیاسی و اقتصادی خویش را به پیش برد، نمی توان بدون تعمق و سرسری گذر کرد. در چارچوب تشدید تضادهای امپریالیستی راست و دروغ با هم مخلوط می شوند و جنگ روانی و سیاسی رقبا با یکدیگر در می گیرد. همین روش را امپریالیستها در مورد اسناد "ویکی لیکز" به کار بردند. در این اسناد پژوهش می کردند تا فقط نام ایران، سوریه، روسیه و چین را پیدا کنند، توگویی در جهان کشوری به عنوان اسرائیل وجود نداشته و ندارد. هم اکنون نیز وضع بهتر از سابق نیست. در میان ۱۱ میلیون سندی که منتشر شده است، مسلما راست و دروغ، اسناد کهنه و نو، شرکتی برای فرار مالیاتی و دزدی و شرکتی برای دور زدن تحریمهای آمریکا و اروپا و یا پیشگیری از تحریمهای آتی آنها به خاطر دوراندیشی (در این زمینه می توان به کره شمالی اشاره کرد- جدیدترین گزارشها درباره اسناد

مشهور به "اوراق پاناما" حاکی از آن هستند که حکومت کره شمالی از یک شرکت صوری که از مشتریان شرکت پانامایی "موساک فونسکا" بوده برای کمک به تامین مالی برنامه تسلیحات هسته ای این کشور استفاده کرده است-توفان)، شرکتی برای دریافت پول تسلیحات و قاچاق، شرکتی برای بازی در قمارخانه بورس و کلاهبرداری و.. وجود دارند، ولی فعالیت همه این شرکتها تا کنون از چشم سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلیس پنهان نبوده است. چه بسا خود آنها برای نظارت بهتر بر مبادلات جهانی و نقل و انتقال ثروتها، این چنین شرکتی را به وجود آورده اند تا دنیا را کنترل کنند و بتوانند هر کس را که خواستند تحت فشار و شانتاژ قرار دهند. به این اسناد و سیاست انتشار بریده بریده آنها، باید با آگاهی و از این زاویه برخورد کرد تا قربانی سیاستهای راست و دروغ امپریالیسم و صهیونیسم نگردید.

اما اسناد در مورد چین را نمی شود با توجه به واکنش سراسیمه وار رویزیونیستهای چینی سرسری گرفت. حجم این اسناد به قدری زیاد و جزئیات آن به حدی دقیق است که انکار آن توسط مقامات حزب و دولت امپریالیستی چین غیر قابل کتمان است. رادیو فرانسه خبر زیرا در مورد اسناد پاناما که مربوط به چین می شود، منتشر کرده است:

"بر اساس "اسناد پاناما" نزدیکان عالیتزین مقامات چین از جمله رئیس جمهوری کنونی این کشور، "شی جینپینگ"، با ایجاد شرکت های ساختگی ثروت های خود را در "بهشت های مالیاتی پنهان کرده اند."

دست کم هشت تن از اعضای قدیمی و فعلی کمیته دائمی دفتر سیاسی حزب کمونیست چین دارایی های خود را در همین بهشت های مالیاتی پنهان کرده اند. برای نمونه، اسناد پاناما بر نقش "دنگ جیاگی" همسر خواهر بزرگ رئیس جمهوری کنونی چین در پنهان کردن این دارایی ها تأکید کرده اند. در سال ۲۰۰۹ "دنگ جیاگی" تنها سهامدار دو شرکت چینی در جزایر "ویرجین" بریتانیا بوده که از مهمترین بهشت های مالیاتی به شمار می روند. با این حال، رئیس جمهوری چین، "شی جینپینگ"، از زمان روی کار آمدنش در اواخر سال ۲۰۱۲ یکی از اهداف مهم خود را مبارزه با فساد در درون حزب کمونیست این کشور و خارج از آن اعلام کرده بود.

در ژوئن سال ۲۰۱۲ آژانس بلومبرگ سرمایه گذاری های خانواده "شی جینپینگ" ... ادامه در صفحه ۷

در روسیه و چین است. حزب رویونیستی توده ایران زبانش بند آمده است و نمی داند در کنگره بعدی اش باید نمایندگان حزب رویونیست چین را راه دهد و یا اینکه نمایندگان خویش را به کنگره آنها اعزام دارد و پیامشان را چاپ کند یا اساساً به روی خودش نیلورد و از کنار همه آنها بگذرد و همه این کتافته‌ها را زیر سبیلی همانطور که تا کنون کرده است، در کند و گوئی هرگز اتفاقی نیفتاده است. به این می گویند رویونیسم که با ریاکاری خود را کمونیست جا می زند.



اسناد پاناما" و بی آبرویی... را ۳۷۶ میلیون دلار اعلام کرده بود. در حالی که رسانه های چینی وسیعاً افشاگری های " اسناد پاناما" را بررسی کرده اند، اما، به فساد شخصیت های چینی در این اسناد اشاره ای ننموده اند. از دیگر شخصیت های چینی که "اسناد پاناما" به آنان اشاره کرده اند می توان به "لی شیانولین"، دختر نخست وزیر پیشین چین اشاره کرد.

"لی شیانولین" و همسرش بنیادی را در "سونس" و یک شرکتی را در جزایر "ویرجین" بریتانیا کنترل می کردند. نوه "جیا کینگلین"، یکی دیگر از اعضای پیشین کمیته دائمی دفتر سیاسی حزب کمونیست چین شماری از همین شرکت ها را کنترل می کرده است." در گزارش دیگری از ایران می آید: "وزارت امور خارجه چین امروز(سه شنبه) افشاگری های اخیر رسانه های غربی علیه سیاستمداران فعلی و بازنشسته چینی با استناد به اسناد متعلق به شرکت حقوقی پانامایی موساک فونسکا را "بی اساس" خوانده و آن را محکوم کرد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، به نقل از خبرگزاری آسوشیندپرس، هونگ لی، سخنگوی

وزارت امور خارجه چین اظهار داشت، بیش از این درباره این گزارشها بحث نخواهد کرد و از پاسخ به این که آیا مقامهای چینی نام برده شده در افشاگری های موسوم به "اوراق پاناما" مورد تحقیق قرار خواهند گرفت خودداری کرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه چین در یک کنفرانس خبری از پیش برنامه ریزی شده گفت: من برای این اتهامات بی اساس هیچ نظری ندارم."

انتشار این اسناد یک نتیجه عملی دیگری هم دارد و آن بی آبرویی همه رویونیستها و منکران بروز رویونیسم

سیاسگزاری از کمکهای مالی

- ۵۰ پاند از لندن
- ۱۲۰ یورو آلمان نورنبرگ
- ۲۰ یورو جمشید سوئد
- ۵۰ یورو مهری آلمان
- ۴۰۰ یورو فری آلمان
- ۱۰۰ یورو حامد فرانسه
- ۱۰۰ خسرو بلژیک
- ۵۰۰ دلار بهرام آمریکا

(مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۱۹ خردادماه ۱۳۹۵ منتشر شد)

آنها در تارنمای توفان مطالعه نمایند

احکام بربرمنشانه شلاق علیه کارگران آق دره شرم آور است و بی پاسخ نمی ماند

ننولیرالیم، مظهر فقر و گرسنگی و فاشیسم-

فرخنده باد پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان) -

امپریالیسم آمریکا و متحدین جنایتکارش مسببین اصلی فجایع کنونی در عراقند-

و دفاع از فاشیسم در قالب مسابقه موسیقی یوروویژن تحریف تاریخ

فرخنده باد هفتاد و یکمین سالروز پیروزی بر فاشیسم-

گزارش از فعالین حزب کار ایران (توفان) به مناسبت اول ماه مه در کشورهای مختلف-

گشت و گذاری در فیسبوک . پاسخ به چند سؤال

توفان الکترونیک شماره ۱۱۹ خردادماه ۱۳۹۵ آپریل ۲۰۱۶

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توییتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

وحدت، سرچشمه نیرو، و نیرو، ضامن پیروزیست

"اسناد پاناما" و بی آبرویی حزب "کمونیست" چین

بیکباره سیل اسنادی که به بیرون درز پیدا کرده بود، از تنگه پاناما جاری شد و اقیانوس اطلس را به اقیانوس آرام وصل نمود تا آرامش دنیا را برهم زند. در این اسناد از دزدی های پادشاه سعودی و امیر قطر نام برده می شود، که بیشتر به شوخی شباهت دارد تا به افشاء گری. نه عربستان سعودی و نه قطر در زمره ممالکی هستند که در آنها حساب و کتابی چه در قبل و چه در زمان کنونی وجود داشته است. عربستان سعودی کشوری است که حتی اسمش به نام خانواده سعودی همراه است. همه ثروتهای این کشور به جیب خاندان سعودی می رود. عربستان سعودی و قطر، کویت و سایر امارات متحده عربی، از جمله ممالکی هستند که سراپا فاسدند و حساب و کتابی در آنها برای پاسخگویی به مردم وجود ندارد. آنها در واقع فاقد دولت به مفهوم متعارف هستند. این ممالک بر اساس خلیفه گری اداره می شوند و حتی کارگزارانشان را از خارج وارد می کنند و خودشان قادر به تولید حداقل وسایل زندگی نیستند. این حکام، راهزنانی هستند که با یاری امپریالیسم بر مسند قدرت نشسته و ثروتهای طبیعی این ممالک را به جیبهای شخصی می ریزند. کشور آنها ملک شخصی آنهاست. به این جهت آنها را به دزدی متهم کردن و در اسناد پاناما نام آنها را به عنوان صاحبان سند و مدرک غیر قابل انکار برملا کردن به مصداق "آنچه عیان است چه ... ادامه در صفحه ۶"

مستخرج از مصوبات کنگره پنجم حزب کار ایران (توفان)

پیام پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان) به خانواده های جانباختگان توفانی

کنگره پنجم حزب کار ایران (توفان) به شما خانواده های گرامی که عزیزانتان را در راه مبارزه علیه دو رژیم شاهنشاهی و جمهوری اسلامی از دست داده اید، گرمترین دروهای خود را ارسال می دارد. کنگره ما در حالی برگزار می شود که شرایط سرکوب و اختناق در جامعه ایران توسط رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ادامه دارد. رژیم حاکم در ایران کوشیده با توسل به سرکوب و اختناق، بقاء خویش را حفظ کند و به خاطره مبارزان کمونیست توفانی که برای استقرار سوسیالیسم در ایران مبارزه کرده اند، پرده فراموشی بکشد.

کنگره حزب ما ضمن گرامیداشت خاطره توفانی های جانباخته و همه راهروان راه آزادی طبقه کارگر ایران، فردای روشنی را به مردم ایران نوید می دهد که در آن قاتلان رفقای ما و همه آذیخواهانی که توسط رژیم جمهوری اسلامی به خاک افتاده اند به سزای اعمال ننگینشان برسند. نفس برگزاری پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان) گویای این است که مبارزه ی حزب کار ایران (توفان) علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد و تعطیل بردار نیست. شرکت کنندگان در پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان) باردیگر پیمانشان را با رفقای که در میان ما نیستند تجدید می کنند و عهد می بندند تا نیل به آرمان و ایدآلهای توفانی های جانباخته که چیزی جز جامعه ای فارغ از استثمار و طبقات یعنی سوسیالیسم و کمونیسم نیست ادامه داده و یادشان را همواره زنده و گرامی بدارند.



خطراتی که مبارزه زنان را در جهان تهدید می کند

زنان نیمی از جامعه را تشکیل می دهند و حضور آنها در تمام زوایای زندگی اجتماعی، واقعی و ملموس است. بدون شرکت نیمی از یک جامعه انسانی، در مبارزه برای تغییرات بنیادی، نه امکان انقلاب اجتماعی وجود دارد و نه می توان از یک جنبش دموکراتیک سخن به میان آورد. تنها آن جامعه ای می تواند تغییر کند، که زنان بتوانند نقش و سهم خویش را در تغییر آن ایفاء کنند.

زنان یک قشر بزرگ اجتماعی را تشکیل می دهند که یکی از ویژگی های مشترک آنها در جنسیت زن بودنشان است. این قشر به این معنا چه خود بداند و چه نداند، اساسا دارای حقوقی است که باید به خاطر زندگی اجتماعی مشترک و مساوی همه انسانها از آن بهره مند باشد و لذا باید برای کسب آن نیز مبارزه همه جانبه ای ... ادامه در صفحه ۴

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسائید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسائیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany

آدرس Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany